

نجران

# آیین‌ها ایل شاهسون بغداد

گردآوری و نوشته: یعقوب‌علی دارابی  
ویراستار: منصور جام‌شیر

سرشناسه: دارابی، یعقوبعلی، ۱۳۳۹، گردآورنده  
عنوان و نام پدیدآور: آداب ایل شاهسون بغدادی  
گردآوری و نوشته یعقوبعلی دارابی؛  
مشخصات نشر: تهران؛ نگارینه، ۱۴۰۰.  
مشخصات ظاهری: ۲۴۴ ص.؛ جدول، نمونه،  
شابک: ۸-۹۳-۰۹۳۰-۲۳۰-۹۶۴-۹۷۸  
وضعیت فهرست نویسی: فیپا  
موضوع: شاهسون  
موضوع: ایلات و عشایر-- ایران-- تاریخ  
رده بندی کنگره: ۱۴۰۰ م ۳ ش ۷۲/ DSR  
رده بندی دیویی: ۰۰۰۰۰/۰۰۰۰۰  
شماره کتابشناسی ملی: ۰۰۰۰۰۰۰۰



نام کتاب: آیین های ایل شاهسون بغدادی  
گردآوری و نوشته: یعقوبعلی دارابی  
ویراستار: منصور جام شیر  
چاپ نخست: ۱۴۰۰ تهران  
شمارگان: ۳۰۰ جلد

تهران، میدان هفت تیر، کوی نظامی، شماره ۲۵، کد پستی ۱۵۷۵۶۳۵۹۱۱  
تلفن: ۸۸۳۱۰۰۷۱-۸۸۳۱۵۰۵۱-۸۸۲۸۷۸۸  
دورنگار: ۸۸۳۰۷۲۷۸-[www.negarineh.com](http://www.negarineh.com)

غیر از اقتباس برای مستند نویسی با ذکر منبع،  
هرگونه برداشت و بهره برداری از نوشته های کتاب،  
بدون اجازه رسمی و مکتوب نشر نگارینه ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

ISBN: 978-964-230-093-8



## سخن ناشر

فرهنگ مجموعه به هم پیوسته‌ای از شیوه‌های تفکر، احساس و عمل است که به دوشیوه عینی و نمادین به کارگرفته می‌شود. فرهنگ به عنوان دستاورد معرفتی جامعه‌های انسانی عام است؛ اما هرگروه اجتماعی دارای وابستگی‌های خویشاوندی، شیوه اقتصادی، قانون‌ها، آیین‌ها، زبان، ادبیات و هنرویره خود است. تمام پدیده‌های اجتماعی و غیر، بنابر ضرورت زمان و مکان مطابق نیازها، اختراع‌ها، تجربه‌ها و مهاجرت‌ها... دستخوش تغییر و تحول می‌شوند، اما تغییر و دگرسانی در زمینه‌های فرهنگی بسیار آهسته و آرام است.

هر منطقه می‌تواند فرهنگ متفاوتی با دیگر منطقه‌های هم‌جوار خود داشته باشد. فرهنگ، راه مشترک زندگی، اندیشه و کنش انسان و دربرگیرنده سازگاری با نیازهای غریزی، فطری و اقتصادی یا محیط جغرافیایی پیرامون است. هرگاه به توصیف فرهنگی می‌پردازیم، خوب است به محیط جغرافیایی آن

فرهنگ، بنیاد اقتصادی، ساخت اجتماعی و سیاسی مردمی آن توجه داشت.

عناصر مهم تشکیل دهنده نمادین فرهنگ، زبان، ادبیات، آیین‌ها، آداب، سنت‌ها، رسم‌ها، بازی‌ها، موسیقی، رقص‌ها، پوشش و صنایع دستی است. البته باید توجه داشت در زندگی کوچ‌رو حفظ سند و مدرک دشوار است و این بار فرهنگی را نسل‌های پیشین به دوش داشته و سینه به سینه انتقال داده‌اند. زبان و گویش به عنوان یکی از عنصرهای مهم فرهنگی است. انسانیت با کلام آغاز می‌شود، یعنی زبان و سخن‌گویی با تعقل آغاز شده است و راه را برای پیشرفت هموار کرده است که پایانی برای آن قابل تصور نیست. زبان تنها وسیله انتقال سنت‌ها، آداب و رسم‌ها نیست بلکه خود نیز در آن چه انتقال می‌دهد مؤثر است. گوناگونی شیوه زندگی، فرهنگ‌ها و زبان‌های متفاوتی را موجب شده و مفاهیم واژه‌ها را پیرو قراردادهای اجتماعی کرده است. از این‌رو می‌توان گفت هر فکری را به هر زبانی می‌توان بیان کرد.

البته عامل سیاسی مثل هجوم قومی بر قوم دیگر و پذیرفتن زبان فاتح و یا تجدید حیات زبان مرده یک ملت نیز در ساختار زبانی نقش اساسی دارد.

تحول‌های اقتصادی، انقلاب اجتماعی و دگرگونی‌های نظام معیشتی، آداب، رسم‌ها و شیوه زندگی مردم را به وجود

آورده یا دچار تغییر کرده است که سبب پیدایش فرهنگ‌های مختلف شده است.

فرهنگ ملی مجموعه‌ای از فرهنگ‌های قومی با مرزهای سیاسی، مذهبی و اجتماعی است. فرهنگ ملی از ترکیب ویژگی‌های مشترک فرهنگ‌ها، در محدوده جغرافیایی خاص که دارای گذشته تاریخی، نحوه معیشت و آیین‌های مذهبی و اجتماعی مشترک هستند به وجود می‌آید.

عشایرتوانایی سازگاری با شرایط محیطی را دارند. شیوه زیست، مسکن، زبان، موسیقی، غذا، لباس، آثار و صنایع دستی به همراه آیین‌ها، جشن‌ها از مهم‌ترین ویژگی فرهنگی آن‌هاست که به عنوان نمادی از زندگی سنتی بشر است.

ایل واژه‌ای مغولی ترکی به معنای دوست، یار، همراه و هم‌قبیله است. واژه ایلات (جمع ایل) برای نخستین بار در زبان فارسی در زمان ایلخانیان به کار رفت. ایل ساختار اجتماعی است که از اتحاد سیاسی، اجتماعی و اقتصادی که چند بخش و طایفه با فرهنگ و تاریخ مشترک است. بخش مجموعه‌ای از طایفه‌هاست که گویش و فرهنگ مشترکی دارند. طایفه متداول‌ترین رده جامعه عشایری و متشکل از چند تیره است. جماعتی از عشایر که با هم خویشاوندی دارند و در چندین نسل نسبی و سببی به نیای مشترکی می‌رسند تشکیل طایفه را می‌دهند. در ساختار ایلی سرپرستی طایفه به عهده ریش سفید یا کدخدا بود که توسط اعضای طایفه انتخاب

وبه وسیله رییس، سرکرده، ایلخان، ایل بیگ منصوب می‌شد و هم‌آهنگ‌کننده سیاست ایل در طایفه بود.

ایل با هویت ایرانی پیوند ناگسستنی داشته است و آنان در حفظ تمامیت ایران، یا خود دولت تشکیل می‌دادند یا در مواقع نیاز دولت‌ها را یاری می‌کردند. از زمان مادها و فتح اسکندر تا زمان صفویه، عشایر برای کشور ایران نیروی قوی، مخلص و وفادار بوده‌اند... درگذشته، شاهان همیشه به دنبال این بودند که عشایر را نسبت به سرنوشت کشور حساس کنند تا هنگام جنگ از این قدرت استفاده کنند. تنها با همین قدرت بود که حدود ۶۰۰ سال تاج و تخت هخامنشیان در امان ماند. داریوش بزرگ، رییس ایل‌ها را درگارد ویژه خود مدیریت می‌کرد. سرکرده‌های ایلات از خود به حدی شجاعت، خلوص و وفاداری نشان می‌دادند که شاهان از هیچ فرصتی برای نزدیک‌تر کردن خود به آنان و برقراری اتحاد فروگذاری نمی‌کردند؛ زیرا عشایر سپاه مهمی برای دفاع از کشور به شمار می‌رفت... به لطف همکاری ایل شاهسون بغدادی بود که صفویه توانست به قدرت برسد و نادرشاه هندوستان را فتح کرد و کریم‌خان زند... که خود از ایل زند برخاسته بود توانست با همیاری ایل شاهسون بغدادی ایران را دوباره یک پارچه کند... در دوره زند ایل شاهسون در سرکوب اشرار برای یک پارچه ماندن ایران تا جایی پیش رفت که سرکرده خود علی‌خان قاسملورا از دست داد... آقا محمدخان، بنیانگذار سلسله قاجار، خود از ایلات

ترك بود و همیشه سعی می‌کرد همه ایلات ایران را با هم متحد کند... او و برادرزاده اش فتحعلی‌شاه از ایل شاهسون بغدادی در کشورگشایی استفاده کردند... در انقلاب مشروطه ایران نیز ایل شاهسون بغدادی با فرهنگ ایران دوستی با مشروطه خواهان همراه و هم‌دل شد اما این همراهی تاوان سختی داشت چراکه رییس و سرکرده ایل علی‌اکبرخان منصورنظام را با مسمومیت قهوه قجری از دست داد... در حال حاضر هم فرهیختگان ایل که با این فرهنگ غنی رشد کرده‌اند در شغل‌های کلیدی با بهره‌گیری از دانش و تجربه به این مرزوبوم خدمت می‌کنند... نباید فراموش کرد که عشایر حکم استخوان‌بندی ایران را داشته و دارند و این ممکن نبود مگر به استناد فرهنگ عشایر.

از ویژگی‌های فرهنگی عشایر، حضور زنان در عرصه کار، مشورت، شادی، عزا، مناسبات اجتماعی، سیاسی، اقتصادی همراه و هم‌پای مردان است. مردان ایل در همراهی زنان از جمله در آداب نمادین نشان می‌دهند که از نقش موثر آنان در فعالیت‌ها آگاه و برای آنان ارزش فراوانی قائلند.

آداب و آیین‌های ایل هرکدام در تقویت توانایی افراد آن در مناسبات اجتماعی، اقتصادی و نظامی نقش داشته‌اند. چوب‌بازی و نشانه‌گیری با فلاخن (سپان‌داشی) که مردان در آن شرکت می‌کنند، نشانه وجود مردان دلیری است که در حفاظت از قلمرو ایل و کشور، مصمم و توانمند. بی‌شک موسیقی و ترانه‌های

محلی عشایر بخشی از گوهرگران بهای فرهنگ بومی این سرزمین است که نشان از مردمی صبور، سلحشور، سخت‌کوش و دوستدار وطن دارد. کنکاش در هر بخش از فرهنگ ایل نشان می‌دهد این فرهنگ ریشه در تاریخ باستانی دارد.

همان‌گونه که بیان شد زبان و گویش از عنصرهای مهم فرهنگ است و در حفظ و انتقال آن باید کوشید. در کنار زبان و گویش، آیین‌ها، آداب، بازی‌ها از نمودهای اجتماعی و فرهنگی هر اجتماع به حساب می‌آیند و در حقیقت ویژگی اصلی بازی، آموزش و سازگاری با نظام و محیط طبیعی و اجتماعی پیرامونی است.

انسان‌ها از تولد، غذا خوردن، حرف زدن، لباس پوشیدن، شناخت ارزش و ضد ارزش را ناخودآگاه از خانواده و جامعه پیرامون خود فرا می‌گیرند که به نوعی فرهنگ آن‌هاست، اما می‌توانند بر اساس ویژگی‌های جسمانی، فکری، روانی، علمی و اجتماعی که دارند یا به دست می‌آورند، در چارچوب آن چه آموخته‌اند باقی‌نمانند و پافراتر نهند.

دنیا به سمتی پیش می‌رود که در این راه به هیچ رسم و سنت دست و پاگیری رحم نخواهد کرد. از طرفی هم ما با سنت‌ها، آداب و رسوم آمیخته‌ایم و واقعیت این است که هر ملتی به تاریخ، سنت‌ها و رسم‌های خود زنده است. پس نباید فرهنگ و سنت را فراموش کرد بلکه بهترین راه حفظ، ریشه‌یابی



آن‌هاست. اگر قرار است رسمی را به جایابوریم ضمن شناخت، شاخ و برگ‌های اضافه آن را کنار بزنیم. یعنی برای زندگی امروز باید با آن معامله کرد و در این داد و ستد گزینه‌های خوب آن را با زندگی نوین ترکیب و رسم مناسب و پذیرفتنی را گسترش داد. در روزگار بحران هویت یکی از راه‌های حفظ هنجارها، بازگشت به آیین‌ها و آداب و رسم‌ها با ویژگی که گفته شد، است. پیوند دیر پای انسان با فرهنگ پیشین، فرصتی برای احساس هویت است. در دنیای قدیم گرچه حجم اطلاعات مثل امروز فراوان نبود اما آن چه تولید فرهنگی نامیده می‌شد، سازنده آداب و رسم‌ها و تمدن فرهنگی جامعه بود و ملت‌های گوناگون به دلیل داشتن فرهنگ‌های برتر و دیرپا می‌توانستند به یک دیگر تفاخر کنند. انتقال فرهنگی ایل شاهسون بغدادی یعنی تاریخ، رسم‌ها، آداب و سنت‌ها به شکل نوشته با توجه به وسعت فرهنگی آن تا کنون اندک صورت گرفته است.

انتشارات نگارینه به فراخور توان در بازسازی هویت و فرهنگی ایل شاهسون بغدادی با چاپ و نشر کتاب‌هایی در این زمینه هر چند اندک شروع به تلاش کرده است. کتاب "تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح السلطان" و کتاب "آیین‌های ایل شاهسون بغدادی" که چاپ و منتشر شده است از این دست است و ان شاء الله در این زمینه کتاب‌های دیگری نیز منتشر خواهد کرد.

این کتاب سعی دارد شماری از آیین‌ها، رسم‌ها، آداب، سنت‌ها و بازی‌ها و شیوه‌های امرار معاش ایل شاهسون بغدادی را برای نسل جدید واگو کند تا مردمان امروز ایل با بخشی از فرهنگ غنی گذشته خود آشنا شده و احساس هویت فرهنگی کنند و از طرفی دیگر انگیزه‌ای برای پژوهش و ثبت ناگفته‌های فرهنگ ایل نزد فرهیختگان باشد. البته ناگفته نماند که نسل جدید ایل شاهسون بغدادی، در آیین‌ها و جشن‌ها هنوز اجرای برخی از رسم‌ها و سنت‌ها را که از پدران و مادران خود دیده یا شنیده‌اند را با افتخار برگزار می‌کنند و این نشانه‌ای از علاقه مندی آنان به فرهنگ اصیل خود است.

دربازگویی آیین‌های ایل شاهسون بغدادی امکان دارد به دلیل ناآگاهی برخی آداب و سنت‌ها نیامده باشد و یا در بازگویی اشتباه برخی آیین‌ها هم دور از ذهن نیست که با کمک و همراهی خوانندگان فرهیخته در ویرایش‌های بعدی اصلاح و اضافه خواهد شد.

۱۵	معرفی ایل شاهسون بغدادی درگذرتاریخ
۲۱	سازمان اجتماعی ایل شاهسون بغدادی
۲۵	جدول نام بخش‌ها، طایفه‌ها و تیره‌های ایل شاهسون بغدادی
۳۵	آداب ایل شاهسون بغدادی
۳۵	۱-۱ عید نوروز
۳۷	۱-۲ چهارشنبه‌سوری
۴۰	۱-۳ سیزده به در
۴۱	۱-۴ شب چله
۴۵	۱-۵ پشم‌چینی بره (قوزوقیرخماق)
۴۷	۱-۶ شیردوشی
۴۸	۱-۷ ذبح بز قصر
۵۱	۱-۸ شب‌نشینی
۵۲	۱-۹ پنیردرخیک نهادن (پنیر با سماخ)
۵۳	۱-۱۰ شیرواره

۵۴ ۱-۱۱ رها کردن قوچ‌ها و تکه‌ها در گله میش‌ها و بزها

۵۵ ۱-۱۲ چراندن گله در فصل پاییز (یاتی)

۵۹ آیین‌های دینی و سوگواری ایل شاهسون بغدادی

۵۹ ۲-۱ ماه رمضان و عید فطر

۶۲ ۲-۲ عید قربان و عید غدیر

۶۴ ۲-۳ ماه محرم و عزاداری امام حسین بن علی علیه السلام

۶۷ آیین‌های ازدواج ایل شاهسون بغدادی

۷۰ ۳-۱ خواستگاری

۷۰ ۳-۲ شیرینی خوران

۷۱ ۳-۳ بازدید داماد پس از شیرینی خوران (قئین ننه گورمی)

۷۱ ۳-۴ تعیین شیربها، مهریه و زمان برگزاری عروسی

۷۳ ۳-۴ حنا بندان

۷۵ ۳-۵ اهدای چشم‌روشنی در عروسی (تویانه)

۷۷ شغل‌های ایل شاهسون بغدادی

۷۷ ۴-۱ گله‌داری

۷۸ ۴-۲ شترداری

۷۸ ۴-۳ ساربان‌ی

۸۱ ۴-۴ چوبداری

- ۴-۵ چوپانی ۸۱
- ۴-۶ تعلیف شتر ۸۲
- بازی های ایل شاهسون بغدادی ۸۳
- ۵-۱ تخم مرغ بازی (مورتا اویناماخ) ۸۳
- ۵-۲ ترنا بازی (نزد مردمان آذربایجان قیچ گُئردی) ۸۴
- ۵-۳ بازی کلاه قاپی (بورک آپاردی) ۸۷
- ۵-۴ بازی خرپُشتک (آتیلان قالدی) ۸۹
- ۵-۵ بازی نوجوانان در شب مهتابی (سورسوموک) ۹۰
- ۵-۶ بازی یه قل دو قل بچه های شاهسون (دُورد لمه) ۹۰
- ۵-۷ بازی گل یا پوچ (گول ایناماخ) ۹۵
- همیاری و تعاون ایل شاهسون بغدادی ۹۷
- ۶-۱ پشم چینی ۹۹
- ۶-۲ شستن گوسفندان و بره ها برای پشم چینی ۱۰۱
- ۶-۳ حمل علوفه زمستانی دام از محل تامین تا قشلاق ۱۰۲
- ۶-۴ قوزو قاتیشیق ۱۰۲
- ۶-۵ تعاون و همکاری در عروسی و عزا ۱۰۳
- ۶-۶ آیین تهیه قورمه (قصر گچی آلورماخ) ۱۰۴
- ۶-۳ شیرواره ۱۰۴
- ۶-۴ اتحاد و همیاری در مقابله با دزدان و غارتگران ۱۰۷

۱۰۹	برخی از شاعران، شعرها و افسانه‌های رایج در ایل شاهسون بغدادی
۱۰۹	۷-۱ تیلیم خان
۱۱۴	۷-۲ خسته قاسم
۱۲۹	۷-۳ برخی از شعرهای خسته قاسم
۱۴۲	۷-۴ آشیق غریب و شاه صنم
۱۵۱	۷-۵ اصلی و کرم
۱۵۹	۷-۶ داستان زهره و طاهر
۱۶۲	۷-۷ شاه اسماعیل و گل‌عذار
۱۶۷	۷-۸ ورقه و گلشاه
۱۸۹	۷-۹ بهرام و گل‌اندام
۱۹۲	۷-۱۰ عباس و گلگز
۲۱۱	۷-۱۱ کوراوغلو
۲۲۰	۷-۱۲ برخی از گونه‌های شعری زبان ترکی
۲۴۱	فهرست منابع

## معرفی ایل شاهسون بغدادی درگذر تاریخ<sup>۱</sup>

ایل شاهسون (شَسُون) از ایل‌های بزرگ ایران است. بنا به روایتی در زمان شاه عباس صفوی از گردآمدن چندین ایل تشکیل شد تا نیرویی در برابر قزلباش‌ها باشد. بنا بر دیگر روایت‌ها، ایل شاهسون از ایل‌های مهم و بزرگ آسیای صغیر بوده که زمان شاه عباس به منطقه آذربایجان کوچ نموده و در ایران پراکنده شده‌اند، به گونه‌ای که اکنون فرزندان‌شان در استان‌های تهران، آذربایجان، مرکزی، قزوین، فارس، همدان، خراسان و... هم‌چنین در کرکوک عراق و مناطقی از ترکیه ساکن هستند.

بر اساس آخرین اطلاعات، جایگاه اصلی ایل پیش از پراکندگی، اطراف کرکوک کنونی، غرب ایران، شمال شرقی عراق و جنوب شرقی ترکیه بوده است. این‌که از کجا آمده و از چه تاریخ در آن جا مستقر شده‌اند، به طور دقیق معلوم نیست و به بررسی

---

۱. تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح‌السلطان، تالیف هرمز محیط، ناشر نگارینه، ۱۳۹۲، شابک ۱-۰۱۸-۲۳۰-۹۶۴-۹۷۸ و تاریخ فرهنگی ایل شاهسون بغدادی، تالیف عطاءالله حسنی، ناشر ایل شاهسون بغدادی، ۱۳۸۲، شابک ۷-۸۳-۹۲۹۳-۹۶۴-۹۷۸

و پژوهش‌های بیش‌تری نیاز دارد که امید است در آینده با توجه به اسناد و مدارک، توسط پژوهشگران انجام پذیرد. در این روزگار، از قرار معلوم ایل شاهسون در چندین کشور پراکنده شده‌اند که مهم‌ترین آن‌ها ایران، ترکیه، عراق و افغانستان هستند.

از قرایین و شواهد موجود، ایل شاهسون یا جمعیت سازمان یافته‌ای تحت لوای شاهسون از دوران شاه عباس بزرگ به بعد، جزو قشون و لشکریان ایران بوده‌اند و در بخش‌های گوناگون کشور به انجام وظیفه اشتغال داشته‌اند. شماری در آذربایجان، تعدادی در اطراف بغداد و برخی در استان‌های جنوبی ایران حضور داشته‌اند، از قرائین ایل جزو سپاهیان بوده و یکی از وظایف آنان برقراری امنیت منطقه، مرزها و محافظت جان و مال و ناموس مردم بوده است. ماموریت گروهی از ایل شاهسون اطراف بغداد بوده که سیر تحولات تاریخی آنان را به نام ایل شاهسون بغدادی معروف کرده است و سرانجام در استان‌های تهران، مرکزی، قم، همدان، قزوین، زنجان، فارس و... استقرار یافته و ساکن شده‌اند.

به روایت دیگری، شاهسون‌های ایران در زمان شاه عباس ماهیت وجودی یافتند، به علت اختلاف‌هایی که سران قزلباش بایک دیگر داشتند شاه عباس بر آن شد که سپاه جداگانه و مقتدری را تشکیل و بسیاری از امور را به دست سران با کفایت این سپاه بسپارد.



بنا به نوشته‌های تاریخی، ایل بسیار بزرگ شاهسون که ساکن منطقه غرب ایران کنونی، جنوب شرقی ترکیه و شمال شرقی عراق بود توسط شاه عباس به اطراف اردبیل و تبریز کوچانده شد و در تشکیل سپاه جدید ایران به نام شاهسون از این ایل استفاده گردید. به علت پراکندگی شاهسون‌ها در ایران، ترکیه و عراق، چنین مطرح می‌شود که ایل اصلی تقسیم شده است و از هر طایفه شماری در منطقه‌های گوناگون ایران، ترکیه و عراق باقی مانده‌اند که اجزای تفکیک شده، طایفه‌های ایل شاهسون است. برای نمونه طایفه کوسه‌لر در ترکیه کنونی، در ایل شاهسون آذربایجان و ایل شاهسون بغدادی وجود دارد که به احتمال فراوان کوسه‌لر ایل شاهسون بغدادی، جزیی از طایفه بزرگ کوسه‌لر اصلی بوده است، یا طایفه دلر (دلیرلر) که از طایفه‌های بزرگ ایل شاهسون بغدادی است، به احتمال زیاد با دلر ترکیه هم ریشه هستند.

در سپاه شاهسون از تمامی ایل‌ها و عشایر ایران همانند؛ لرها، کردها، بختیاری‌ها، عشایر کهگیلویه و بویر احمد، عشایر بیات و... وجود داشتند. پس از تشکیل سپاه شاهسون در زمان شاه عباس بسیاری از ایل‌های قزلباش نیز به سپاه شاهسون پیوستند و تمامی امور مرزهای ایران تحت حفاظت گروه‌های شاهسون قرار گرفت. قطعاً شمال غربی به مرکزیت تبریز، از جمله منطقه‌های بسیار مهم کشور بود. تبریز بزرگ‌ترین شهر شمال غربی ایران و نزدیک به

مرز عثمانی آن زمان بود، کلیهٔ امور شاهسون‌های غرب کشور به مرکزیت تبریز انجام می‌پذیرفت.

ایل شاهسون در زمان شاه عباس بزرگ مدتی را در آذربایجان گذراندند. گروهی از ایل شاهسون در زمان شاه سلطان حسین در منطقهٔ شمال شرقی بغداد، منطقهٔ کرکوک ساکن شدند. آنان به هفتاد طایفه تقسیم می‌شدند که مسئولیت محافظت و مراقبت این بخش از کشور را برعهده داشتند. سرکردگان ایل بر اساس فرمان شاه برگزیده و منصوب می‌شدند. در زمان شاه عباس بزرگ، سمت ریاست و سرکردگی ایل شاهسون بغدادی را حاجی بیگ از بخش لك طایفهٔ کوسه لبرعهده داشت که به احتمال زیاد، جد بزرگ جانی بیگ<sup>۲</sup>، یوسف، سرخاب (سیرخاو) و قاسمعلی خان بوده است.

در دورهٔ شاه سلطان حسین بنا بر درخواست پدر یا برادر بزرگ‌تر جانی بیگ سرکردگی ایل به نام برادر کوچک، قاسمعلی خان صادر می‌شود و او با سواران شاهسون مدت‌ها در اطراف تبریز به خدمت مشغول بود. در زمان حملهٔ افغان‌ها به اصفهان رئیس بزرگ ایل که از طایفهٔ کوسه لرو سرکردهٔ ایل بود چهارپسرداشت که به ترتیب سنی عبارت بودند از: جانی بیگ، سرخاب<sup>۳</sup>، یوسف و قاسمعلی خان.

۱. ایل شاهسون بغدادی شامل دو بخش اصلی به نام‌های لك و آرخلواست و کوسه لرو از طایفه‌های بخش لك است.

۲. جانی بیگ نام ترکی است مرکب از جانی و بیگ، جانی اسم خاص و به معنی جان من، بیگ به مردان مدیر و شجاع و سخاوتمند لقب می‌دادند.

۳. نام اصلی سرخاب (سیرخاو) فتحعلی است ولی به سیرخاو معروف بوده است.

پدرجان به جان آفرین تسلیم کرد و ایل هم چنان تابع سلسله صفوی و مرزدار میهن در اطراف بغداد بود. در ایران مغشوش آن زمان، افاغنه حمله کرده بودند، ترک‌های عثمانی نیز دندان طمع نشان می دادند. نیروهای دولتی درخواست افراد رزمی کردند و از ایل شاهسون بغدادی سوارانی تحت فرمان قاسمعلی خان به تبریز اعزام شدند. قاسمعلی خان با منصب فرمانده سواران شاهسون چند سالی همراه دیگر قوای دولتی جزونیروی قشون در شمال غرب و غرب ایران به جنگ و گریز و دفاع از کشور پرداختند.

قاسمعلی خان به علت جسارت، هوش و بنیه نیرومندش، آن چنان مورد توجه حکومت وقت قرار گرفت که فرمان سرکردگی سواران ایل شاهسون و هم چنین عنوان ریاست ایل در حدود سال ۱۰۹۵ هجری شمسی (۱۱۲۹ هجری قمری) به وی واگذار شد و مامور حفظ و حراست مرز غربی ایران و منطقه اطراف بغداد گردید. هر روز که می گذشت او پخته تر و کارآزموده تر می شد، با ایل شاهسون بغدادی بر منطقه فرمانروایی می کرد و خدمت می کرد و روزگار می گذراند تا ناگه، افغان‌ها را در اصفهان و احمدپاشای عثمانی را در بغداد دید، اوضاع را آشفته یافت، حیران و سرگردان که چه کنیم؟! ...<sup>۱</sup>

---

۱. تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح السلطان، تالیف هرمز محیط، ناشر نگارینه، ۱۳۹۲، شابک ۱-۰۱۸-۲۳۰-۹۶۴-۹۷۸



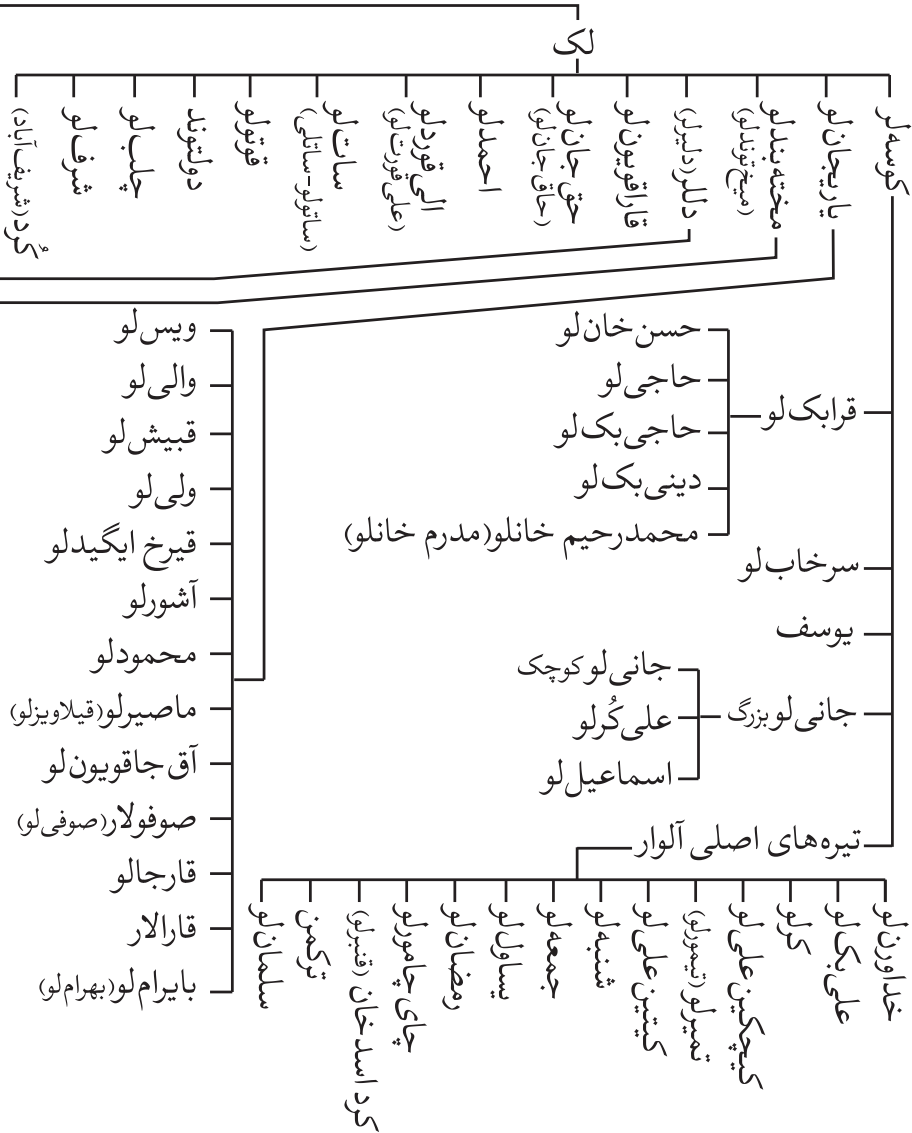
## سازمان اجتماعی ایل شاهسون بغدادی

ایل جامعه‌ای با ساختاری ویژه که در حال افزایش یا کاهش جمعیت است. برای نمونه با افزوده شدن گوبک‌ها، تیره‌ها و طایفه‌ها افزوده و یا پذیرفتن از ایل‌های دیگر، گسترش و یا کنش‌هایی برعکس کاهش می‌یافت. ایل شاهسون بغدادی با ویژگی‌های یک ایل، پس از شاه‌عباس بزرگ با توجه به پاسداری و حفظ امنیت غرب ایران در محدوده کرکوک و اطراف بغداد، شمار مردمان قابل توجه‌ای داشت. بنا به گفته ایمان‌علی خان (فرزند حسن خان) زمان صفویه طایفه‌های ایل بیش از هفتاد طایفه بودند. در زمان تخته‌قاپو در نزدیکی ساوه، دشت و جنگل آوه و صالح‌آباد، جعفرآباد طایفه‌های ایل شاهسون بغدادی سی و یک طایفه در هر دو بخش لك و آرخلو بودند. برای درج کامل تیره‌های هر طایفه، دست‌کم بایستی شجره‌نامه طایفه آن را تهیه و با توجه به افزایش سطح ایل آن را استخراج و ثبت کرد.<sup>۱</sup>

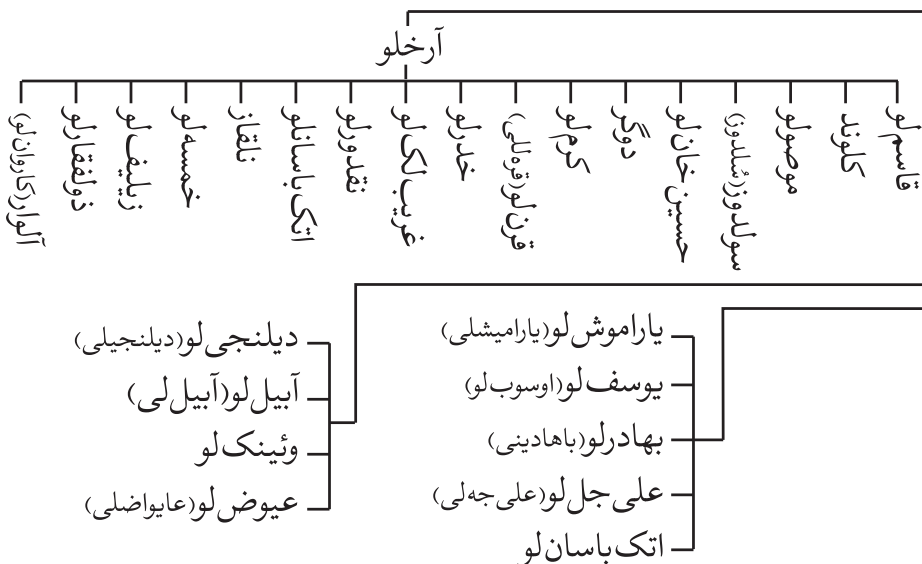
---

۱. تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح‌السلطان، تالیف هرمز محیط ناشر نگارینه، ۱۳۹۲، شابک ۱-۰۱۸-۲۳۰-۹۶۴-۹۷۸

## نمودار طایفه‌ها و تیره‌های



## ایل شاهسون بغدادی در یک نگاه



می‌توان گفت در یک دورهٔ زمانی حدود یک صد و پنجاه سال، هر تیره دست‌کم به دو یا سه سطح انشعابی جدید نیز تقسیم می‌شود که هر سطح، خود دو تا چند تیره را تشکیل می‌دهد. این تقسیم‌بندی همواره ادامه دارد. از سوی دیگر گسترش سطح گوبک‌ها مهم‌ترین و ماندگارترین انشعاب‌های سطح تیره‌هاست که برای استخراج آن‌ها نیاز است شجرهٔ هر تیره نوشته شود و با توجه به تعریف‌های گوبک، تیره و طایفه، آن‌ها را استخراج کرد.<sup>۱</sup>

۱. تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح‌السلطان، تألیف هرمز محیط، ناشر نگارینه، ۱۳۹۲، شابک ۹۷۸-۹۶۴-۲۳۰-۰۱۸-۱





## جدول بخش‌ها، طایفه‌ها و تیره‌های ایل شاهسون بغدادی<sup>۱</sup>

ساختار ۳۱ طایفه ایل شاهسون بغدادی از قاجار تا زمان تخته‌قاپو در سال ۱۳۱۴ خورشیدی همین طور تا سال ۱۳۴۳ خورشیدی به دست آمده که با توجه به این نکته‌ها درج گردیده است.

- ایل شاهسون بغدادی شامل دو بخش لک و آرخلو و طایفه کوسه‌لر به دو تیره اصلی؛ کوسه‌لر خاصا و کوسه‌لر آل و آرا<sup>۲</sup> منشعب می‌شود. در ستون تیره‌ها، از اول تا سوم تیره‌ها که قدمت دست‌کم شش تا هفت نسل را در بر می‌گیرد وجود دارد. نخست تیره اصلی، دوم تیره انشعابی اولیه، سوم، تیره انشعابی ثانویه، پس از آن تیره نوپای که از سرگروه گوبک‌ها شکل می‌گیرد.

---

۱. تاریخ شفاهی ایل شاهسون بغدادی به روایت فتح‌السلطان، تالیف هرمز محیط،

ناشر نگارینه، ۱۳۹۲، شابک ۱-۰۱۸-۰۲۳۰-۹۶۴-۹۷۸

۲. اجداد برخی از گوبک‌های تیره خداورنلو اهل روستای حکان و زاکان و گوبک عباسعلی لواز تیره خداورنلو اهل روستای شهیدآباد (گاو یک سابق) و همین طور اجداد تیره تیمورلو (تمرلی) اهل روستای ماهینان و هم چنین اجداد تیره کرلو اهل روستای جاورسحبن همه جزو شهرستان رزن استان همدان در قسمت بیلاق ایل بوده‌اند که به بخش لک طایفه کوسه‌لر ایل شاهسون بغدادی ملحق شده‌اند.